

حقوق اقتصادی و اجتماعی (حقوق رفاهی) کودکان: تحلیل مبانی نظری و

موازن بین‌المللی

دکتر سید محمد هاشمی *

مجتبی همتی **

چکیده

کودکان موجودات بی‌گناه، آسیب‌پذیر، وابسته، و در عین حال کنج‌کاو، فعال و سرشار از امید هستند. اوقات آن‌ها باید صرف خوشی، صلح و بازی، یادگیری و رشد شود. آینده‌ی آن‌ها باید به صورت متعادل و از طریق همکاری شکل گیرد. زندگی آن‌ها، به موازات این‌که، نگرش‌های‌شان گسترده‌تر شده و تجربیات جدید به دست می‌آورند، باید کامل‌تر شود. با در نظر گرفتن این‌که لزوم انجام مراقبت‌های ویژه از کودک در اعلامیه‌ی حقوق کودک ژنو ۱۹۲۴ بیان شده و در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ در اعلامیه‌ی حقوق کودک مجمع عمومی به تصویب رسیده، و همچنین در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (خصوصاً در مواد ۲۳ و ۲۴)، میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (خصوصاً در ماده‌ی ۱۰) و در اسناد و احکام سازمان‌های تخصصی و سازمان‌های بین‌المللی مربوط به رفاه کودکان به رسمیت شناخته شده است و با توجه به این‌که در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تصریح شده است «کودک به خاطر نداشتن رشد کامل فیزیکی و ذهنی محتاج مراقبت و حمایت‌هایی از جمله حمایت‌های مناسب حقوقی قبل و بعد از تولد می‌باشد»، از این‌رو، ملت‌ها و دولت‌ها، ابزار و دانش کافی جهت حمایت از زندگی و رفع آلام متعدد کودکان، ارتقای رشد و توسعه‌ی کامل استعدادهای

* استاد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانش‌آموخته‌ی دکتری حقوق عمومی.

انسانی آنها و آگاه کردن آنها از نیازها، حقوق و فرصت‌های‌شان را دارند. کنوانسیون حقوق کودک، فرصت جدیدی برای شناسایی حقوق و رفاه واقعا جهان‌شمول فراهم می‌سازد. در مقاله‌ی حاضر، بعد از تحلیل نظریه‌های مربوط به حقوق کودکان، حقوق رفاهی آنها در اسناد و موازین بین‌المللی (مخصوصا کنوانسیون حقوق کودک) مورد تحلیل قرار گرفته است.

کلید واژگان

حقوق اقتصادی و اجتماعی، حقوق رفاهی، کودک، نظریه، اسناد بین‌المللی.

مقدمه

در سپتامبر ۱۹۹۰، مقامات عالی‌رتبه‌ی نود کشور در کنفرانس جهانی کودکان در شهر نیویورک شرکت کردند. در این نشست، اعلامیه‌ی جهانی در مورد احیا، حمایت، توسعه و پیشرفت کودکان و طرح عملی با تمرکز بر سلامتی کودک، ازجمله تغذیه، آب سالم و بهداشتی و آموزش ابتدایی، تصویب شد. این نشست در مورد اهداف واقعی چون کاهش نرخ مرگ و میر نوزادان تا یک سوم یا پنجاه نفر در هر هزار نوزاد زنده متولد شده، تا سال ۲۰۰۰ به توافق رسید. هدف دیگر نشست دسترسی عام و فراگیر به آموزش پایه و تکمیل آموزش ابتدایی تا حداقل هشتاد درصد کودکان در سن مدرسه بود. این نشست یک روی داد غیرعادی بود زیرا تا آن زمان نشستی با این ترکیب از مقامات عالی کشوری با موضوع کودکان برگزار نشده بود. این نشست هم‌چنین با تمرکز بر روی بهداشت و آموزش، کنفرانس مهمی در حوزه‌ی حقوق اقتصادی و اجتماعی شد. همه‌ی تصمیمات به صورت اجماعی اتخاذ گردید. در واقع، اگرچه متون مطرح در نشست پیش‌نویس به نظر می‌رسید و با وجود بار سنگینی که برای حکومت‌ها در پی داشت، هیچ اختلافی وجود نداشت. به‌طور واضح یکی از دلایل این اجماع، موضوع اساسی آن یعنی کودکان بود. هم‌چنین به نظر می‌رسد که این اجماع یک جریان زیرین مسئولیت بین‌المللی را در کنفرانس ارتقا داده باشد. این نشست در متن تصویب شده تصریح کرد که کشورهای فقیر نیازمند همکاری اساسی بین‌المللی برای مشارکت موثر در این تلاش جهانی هستند. در این اعلامیه‌ی جهانی، یک ارجاع مثبت به کنوانسیون حقوق کودک صورت گرفت.^۱ اما با وجود اسناد عام حقوق بشری که طبیعتاً کودکان را هم در بر می‌گیرد، چرا اسناد و موازین بین‌المللی، به صورت خاص از کودکان حمایت می‌کنند؟ در پاسخ باید گفت در اصل، هر

1. Hammarberg, Thomas, "Children", in: Asbjorn Eide; Catarina Krause & Allan Rosas(eds), Economic, Social and Cultural Rights, 2nd ed., Martinus Nijhoff Publishers, Dordrochty/ Boston / London, 2001, p.353.

شخصی از حقوق بشر منتفع است، با وجود این، در عمل برخی گروه‌ها خیلی آسیب‌پذیرتر از دیگر گروه‌ها هستند یا به‌طور سنتی موضوع تبعیض قرار گرفته‌اند، لذا ممکن است حمایت خاص از حقوق آن‌ها، برخی اوقات، اتخاذ یک اقدام مثبت یا دیگر اقدامات خاص را اقتضاء کند. این مجموعه از مسایل در اثنای اسناد ویژه‌ی بین‌المللی فصل‌الخطاب قرار می‌گیرند تا برابری بین همه‌ی گروه‌ها در جامعه به نحوی تضمین گردد. در این راستا کنوانسیون حقوق کودک نیازهای خاص کودک از جمله حقوق اقتصادی و اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهد.^۲ به جهت اهمیت مسایل مربوط به کودکان و آسیب‌پذیری این موجودات معصوم، هدف این نوشتار هم بررسی حقوق آن‌ها به‌عنوان منتفعان حقوق بشر، و بسیار خاص‌تر، حقوق اقتصادی و اجتماعی آن‌هاست. البته تمرکز عمده روی کنوانسیون حقوق کودک خواهد بود. بر این اساس، مطالب مقاله در دو بخش ارائه خواهد شد: نخست، نظریه‌های مربوط به حقوق کودکان بررسی و تحلیل می‌گردد. و در ادامه به بررسی اسناد و موازین بین‌المللی در حوزه‌ی حقوق رفاهی کودکان می‌پردازد.

الف) نظریه‌های مربوط به حقوق کودکان

در این قسمت، نظریه‌های مربوط به حقوق کودکان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که برخی از آن‌ها موافق وجود حقوق کودکان و برخی دیگر مخالف چنین حقوقی هستند.

۱. نظریه‌ی اراده در برابر نظریه‌ی سود

به‌طور کلی دو نظریه‌ی رقیب درباره‌ی ماهیت حق وجود دارد. نظریه‌ی اراده نمی‌تواند حقوق کودکان را بپذیرد و اساساً به‌عنوان یک نظریه‌ی عمومی در حوزه‌ی حقوق

2. Asbjorn, Eide, Economic, Social, and Cultural Right as Human Right, in: Asbjorn, *op.cit.*, p.19.

کودکان جای نمی‌گیرد. هارت (معروف‌ترین طرف‌دار نظریه‌ی اراده) براین باور است که حق‌ها تنها می‌توانند به افراد بزرگ‌سال که توانایی انتخاب دارند اطلاق گردد. وی در بیانی اعلام می‌دارد ما مطمئن می‌توانیم تکالیفی مبنی بر عدم رفتار نامناسب با حیوانات و کودکان داشته باشیم اما استمرار اطلاق حق‌ها مبنی بر عدم رفتار نامناسب با کودکان و نوزادان به منزله‌ی استفاده‌ی بیهوده از واژه‌ی حق‌هاست.^۳ هرچند او بعداً در نظریه‌ی خودش تعدیلاتی انجام داد اما با این حال اصرار دارد که تنها زمانی می‌توان از دارا بودن حقوق کودکان حرف زد که یک فرد یا نماینده‌ی منصوبی (قیم) از طرف او عمل کند.^۴ مک کورمیک بر این باور است که می‌توان این ادعا را معنادار کرد که کودکان به‌واسطه‌ی تنظیم یک نسخه‌ی دیگر از نظریه‌ی سود حقوقی دارند. نظریه‌ی اراده مبتنی بر این مفهوم است که دارا بودن حق قانونی یا اخلاقی مستلزم اعمال اختیار فردی بر اجرا یا صرف نظر کردن از تکالیفی است که بر شخص دیگر تحمیل می‌شود. اساس این نظریه احاطه‌ی اراده‌ی صاحب حق بر اراده‌ی دیگران در خصوص موضوع حق است. نظریه‌ی سود بر حمایت از منافع یک شخص به‌واسطه‌ی تحمیل تکلیف بر دیگران تمرکز دارد- امری که مک کورمیک به‌عنوان تحمیل قیود هنجاری (اخلاقی یا حقوقی) بر اعمال و فعالیت‌های دیگر افراد در خصوص موضوع منافع شخصی به آن اشاره می‌کند. بنابراین یک عنصر اساسی در هر دو نظریه، وجود تکالیف دیگری، متناسب با حقوق مورد ادعاست. تمایز انتقادی این است که نظریه‌ی اراده، توانایی برای استقلال شخصی را - در اجرا یا صرف نظر کردن از تکلیف مربوط- حیاتی می‌داند، در حالی که بر اساس نظریه‌ی سود برای وجود یک حق، اساسی است که یک نفع قابل تعیین و مشخص و یک تکلیف درخور وجود داشته باشد. به نظر مک کورمیک نظریه‌ی اراده به دو دلیل بی‌پایه و اساس

3. Hart, H.L.A., "Are there any Natural Rights?", in: A. Quinton (ed.), Political Philosophy, Oxford University Press, 1961, pp.53-66.

4. Jones, Peter, Rights, Macmillan University Press, 1994, p.33.

است: اول این که یک نوزاد به روشنی توانایی فیزیکی و روانی برای اعمال اراده یا انتخاب این که والدین خود را از تکالیف‌شان در تامین این نیازها خلاص کند ندارد؛ دوم و مهم‌تر این که دغدغه‌ی مک کورمیک این است که نه نوزاد و نه افرادی که از طرف او عمل می‌کنند نباید مجاز باشند که از تکالیف والدین صرف نظر کنند یا به عدم اجرای این تکالیف تن در دهند.^۵

مک کورمیک حقوق کودکان را در نظریه‌ی سود جست‌وجو می‌کند که در حکم قانونی پایه ریشه دارد. از این رو استدلال می‌کند: «... که همه‌ی کودکان موجوداتی هستند که نیازها و استعدادهای آنها توجه ما را می‌طلبند، به گونه‌ای که گرفتن امکانات از هر کودکی جهت ارضای نیازها و توسعه‌ی استعدادهایش می‌تواند به خودی خود اشتباه باشد (حداقل تا زمانی که او خودش از نظر فیزیکی توان تامین آن امکانات را ندارد)». ^۶

۲. نظریه‌ی اکلار^۷

اکلار در مقاله‌ای در سال ۱۹۸۶ وضعیت موجود حقوق کودکان را مورد توجه قرار داده است. مانند مک کورمیک، اکلار نیز بر نظریه‌ی سود درباره‌ی حق‌ها، مخصوصاً آن روایتی که توسط جوزف رز مورد حمایت است، استناد می‌کند؛ با این قرائت که «قانون ایجاد حق می‌کند، اگر قانون مزبور مبتنی بر این نگرش باشد که شخص یک نفعی دارد، نفعی که زمینه‌ی کافی برای تقریر این مطلب است که دیگری مقید به تکلیف باشد». ^۸

5. Bainham, Andrew; Stephen, Cretney, Children, The Modern Law, published by Family Law, 1993, pp.82-83.

6. McCormick, N., "Children's Rights: Test- Case for Theories of Rights", published as Ch. 8 in: Legal Rights and Social Democracy, 1982, p. 310.

7. Eekelaar.

8. Raz, J., "Legal Rights", Oxford Journal of Legal Studies, 1984, p.13.

اکلار سه گونه‌ی مجزا از سود را شناسایی می‌کند که می‌تواند بنیاد حقوق کودک را تشکیل دهد:

یک) منافع پایه : منافع پایه به‌عنوان اساس یک زندگی سالم شامل مراقبت فیزیکی، عاطفی، معنوی و روحی است و تکالیف به تضمین آن‌ها نخست برعهده‌ی والدین و در صورت سوءاستفاده یا غفلت برعهده‌ی دولت می‌باشد.

دو) منافع توسعه‌ای: به این معنا که در چارچوب مقیدات اقتصادی و اجتماعی، همه‌ی کودکان باید یک فرصت برابر برای حداکثر کردن منابع موجود در طول کودکی داشته باشند.

سه) نفع و سود استقلال: یعنی آزادی بر انتخاب سبک زندگی خود و ورود به روابط اجتماعی بر اساس تمایلات خود.^۹

۳. نظریه‌ی الگوگرایی^{۱۰} لیبرالی فریمان

فریمان بر اهمیت حق‌ها برای کودکان در برابر خیرخواهی برای آن‌ها یا دیگر ارزش‌های از نظر اخلاقی مهم همانند عشق، دوستی یا شفقت تاکید می‌کند. حق‌ها حداقل در نظریه، صاحبان حق‌ها را قادر می‌سازد تا کرامت و حیثیت خود را حفظ کنند. فریمان، اعمال نظریه‌ی پرنفوذ عدالت اجتماعی رولز را برای کودکان می‌پذیرد. بر این اساس او چهار حق عمده را طرح می‌کند:

یک) حق بر رفاه: این حق خیلی گسترده است و شامل حق بر نام و تابعیت، آزادی از تبعیض مبتنی بر نژاد، رنگ یا مذهب، تامین اجتماعی (که به تغذیه، مسکن، تفریح و مراقبت‌های بهداشتی مناسب تسری می‌یابد)، حق بر آموزش آزاد و برابر، حمایت از همه‌ی

9. Eekelaar, J., "The Emergence of Children's Rights", Oxford Journal of Legal Studies, 1986, pp.171-173.

10. Paternalism.

اشکال قساوت و استثمار و رفتار خاص با افراد معلول و ناتوان می‌باشد.

دو) حقوق حمایتی: این حق‌ها به‌طور اساسی با حمایت در برابر رفتار و فعالیت‌های منفی چون مراقبت نامناسب، سوءاستفاده یا غفلت والدین، استثمار توسط کارفرمایان یا خطرات زیست‌محیطی مرتبط می‌باشد.

سه) حق کودکان بر این که همانند بزرگان با آن‌ها رفتار شود: این حق ریشه در عدالت اجتماعی و برابری‌گرایی دارد. اساسی است که حقوق و آزادی‌هایی که برای بزرگسالان شناسایی شده است باید به کودکان نیز به‌عنوان افراد انسانی تسری پیدا کند، مگر این که دلیل خوبی برای تمایز بین آن‌ها وجود داشته باشد.

چهار) حقوق در برابر والدین: این حق هم‌چنین ابتدائاً با حق تعیین سرنوشت یا استقلال رابطه دارد. اما در حالی که دسته‌ی سوم با توجیه آزادی‌های مدنی و وضعیت کودک بر اساس قانون کلی رابطه دارد، این دسته از حق‌ها با ادعای استقلال از کنترل والدین رابطه دارد.^{۱۱}

۴. نظریه‌ی عدالت رولز

فریمان از درجه‌ای از الگوگرایی به‌عنوان یک ویژگی حقوق کودکان سود جسته است. به نظر او شرط اساسی احترام به اشخاص این است که ظرفیت بالقوه‌ی کودکان برای قبول مسئولیت به‌عنوان فاعل اخلاقی آزاد و برابر به رسمیت شناخته شود. اما چون در مورد کودکان ما اغلب از «بالقوه» استفاده می‌کنیم تا «توان و ظرفیت واقعی»، لذا در برابر اعمال غیرعقلایی، میزان محدودی از مداخله در جهت حمایت از آن‌ها موجه است. پرسش اساسی این است که چه نوع اعمال برای این اهداف، غیرعقلایی تلقی می‌شوند؟ چه گزینه‌ای از عقلانیت باید به کار گرفته شود؟ این جافریمان به این نکته پی می‌برد که فرض

11. Freeman, Michael, D.A., "The Rights and Wrongs of Children", Frances Pinter, 1983, pp. 40-54.

روئیزی مبنی بر برابری در وضعیت قرارداد اجتماعی، به صورت بهتری ایده‌ی رفتار با مردم به‌عنوان موجود برابر از حیث توانایی و ظرفیت برای استقلال را توضیح می‌دهد.^{۱۲}

منظور روئیز از وضع نخستین یا اولیه، وضعی است فرضی و ایده‌آل که در آن اصول عدالت گزینش می‌شود. به‌طور کلی در وضع نخستین همه اطلاعات یک‌سانی درباره‌ی خود و جامعه دارند و با مسئله‌ی تصمیم‌گیری درباره‌ی اصول رفتار عادلانه مواجه‌اند. انگیزه‌ی آنان تامین منافع خود است، لیکن از ماهیت منافع و هویت اجتماعی خود بی‌خبراند. «اما روئیز در کتاب نظریه‌ای درباره‌ی عدالت مفهوم وضع نخستین را از شرایط عدالت جدا می‌کند. در این جا شرایط عدالت از وضع نخستین به وضع واقعی برده می‌شود و کسانی که در وضع نخستین اند با علم به وضع واقعی برای رسیدن به اصول عدالت توافق می‌کنند».^{۱۳}

دو اصل نظریه‌ی عدالت جان روئیز که در آثار بعدی او اصلاح گردیده بدین صورت است:

«اصل اول: هر شخصی حق برابر نسبت به طرح مناسبی از آزادی‌های بنیادین دارد که با طرح مشابهی در مورد آزادی‌ها برای همگان سازگار باشد» (اصل توزیع برابر آزادی).^{۱۴}

«اصل دوم: نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی باید چنان سازمان یابند که هر دوی آن‌ها:

الف: بیش‌ترین نفع را برای نابرخوردارترین افراد داشته باشد.

ب: به مقامات و موقعیت‌هایی وصل باشند که در شرایط منصفانه و برابر از نظر

12. *Ibid.*, pp.54-60.

۱۳. بشیریه، حسین، تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم، لیبرالیسم و محافظه‌کاری، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص. ۱۱۹.

۱۴. ایچ لسناف، مایکل، فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه‌ی خشایار دیهیمی، نشر کوچک، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص. ۳۸۱.

فرصت به روی همه گشوده باشد».^{۱۵}

زمانی که کودکان به سن رشد و عقلانیت رسیدند، رولز آن‌ها را داخل در قرارداد اجتماعی اولیه می‌داند. فریمان این پدیده را به‌عنوان مشارکت معنادار در حد آمادگی و توان کودکان می‌داند. بنابراین، عدالت ایجاب می‌کند که کودکان به ظرفیت و توانی برسند که قادر به پذیرش مسئولیت به‌عنوان عامل اخلاقی آزاد و برابر باشند. برای حصول این امر، فریمان استدلال می‌کند که آن‌ها نیازمند دو نوع حق هستند: حق اول برابری فرصت است که به موضوعاتی چون تعلیم و تربیت صحیح اشارت دارد؛ دومی، الگوگرایی لیبرالیستی است. این الگو می‌تواند مجوزی برای مداخله جهت حمایت از استعدادهای کودک برای توسعه به‌شمار آید.^{۱۶}

۵. زمینه‌ی مشترک بین نظریه‌های موافق حقوق کودکان

البته به‌طور خاص تنها بر روی شماری از نظریه‌های مطرح در حوزه‌ی حقوق کودکان تمرکز خواهد شد. چه این که نظریات زیادی در این حوزه وجود داشته و بی‌گمان در سال‌های پیش‌رو برشمار آن‌ها نیز افزوده خواهد شد. در میان نظریات مورد بررسی زمینه‌های مشترک زیادی وجود دارد که در زیر فهرست می‌شود:

یک (حقوق کودکان ناشی از مقتضیات بنیادی - اخلاقی احترام به افراد است و همه - ی حقوق بشر را در برمی‌گیرد.

دو (حقوق خاص کودکان در منافع ریشه دارد که جامعه پذیرفته آن‌ها دارا باشند و تحمیل تکالیف بر دیگران را توجیه می‌کند.

سه «حقوق کودکان» مفهوم واحدی نیست بلکه یک بیان مجموعه‌وار^{۱۷} از سلسله

۱۵. همان، ص. ۳۷۸.

16. Bainham, *op. cit.*, pp. 91-92.

17. Catch-all Expression.

ادعاهای حقوقی و اخلاقی است.

چهار) تحمیل یک تکلیف بر شخص (شاید نامشخص) ملازمه‌ی ضروری هر حقی است که برای کودکان ادعا می‌شود. جایی که این تکلیف بر یک واحد مشخص مخصوصاً والدین تحمیل می‌شود، شناسایی وجود حقی قانونی، یک «حق - ادعا» در مفهوم هوفیلدی قابل قبول می‌باشد. برعکس، جایی که حق در برابر دنیا ادعا می‌شود، روشن نیست که بتواند به عنوان حق قانونی تلقی شود و در عین حال وضعیت یک حق اخلاقی را نیز داشته باشد. وجود یک ادعای اخلاقی خودش می‌تواند وجود حقی قانونی و بسیاری از ادعاهای مشابه دیگر را توجیه کند.

پنج) حقوق کودکان باید هم حق تعیین سرنوشت و هم عنصر الگوگرایی محدود^{۱۸} را دربرگیرد.

شش) حق‌ها، اگرچه توسط تک تک کودکان ادعا شود، باید یک ویژگی عمومی یا جهان‌شمول داشته باشند؛ به این معنا که بتوانند بر همه‌ی کودکان به عنوان گروه اعمال شوند.^{۱۹}

حال بعد از بررسی نظریه‌های مربوط به حقوق کودکان، به این پرسش می‌پردازیم که اسناد و موازین بین‌المللی فارغ از این نظریه‌ها کدام حق‌های رفاهی را به رسمیت شناخته است.

ب) اسناد و موازین بین‌المللی ۱. استانداردها

کودکان، همانند بزرگسالان مشمول معاهدات حقوق بشری، از جمله میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند. به علاوه، به‌طور خاص، مقررات ویژه‌ای در این اسناد و دیگر معاهدات مربوط به کودکان، به صورت

18. Limited Paternalism.

19. Bainham, *op. cit.*, pp. 92-93.

ضمنی یا صریح وجود دارد؛ برای مثال، بند ۳ از ماده‌ی ۱۰ میثاق، مسئله‌ی استثمار اقتصادی و اجتماعی و کار کودک، ماده‌ی ۱۲ تکلیف دولت به اتخاذ اقدامات مناسب جهت کاهش مرگ و میر کودکان و رشد سالم آن‌ها و ماده‌ی ۱۳ آموزش اولیه‌ی رایگان و اجباری را مورد تأکید قرار می‌دهند. علاوه بر این، مقاوله‌نامه‌هایی مربوط به کار کودک، مخصوصاً کنوانسیون حداقل سن (شماره‌ی ۱۳۸) و کنوانسیون مربوط به بدترین اشکال کار کودک (شماره‌ی ۱۸۲) توسط سازمان بین‌المللی کار تدوین و تصویب شده است.

تبعیض علیه دختران، یک جنبه از کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان می‌باشد. یکی از تعهدات مندرج در این کنوانسیون، اتخاذ اقدامات لازم جهت کاهش ترک تحصیل دختران در مدارس است (ماده‌ی ۱۰ بند f). این کنوانسیون هم‌چنین شامل مقرراتی است که هدف آن‌ها، حمایت از زنان به‌عنوان یک مادر در طول بارداری و بعد از بارداری می‌باشد. براساس بند «ب» ماده‌ی ۵ این کنوانسیون، آموزش خانواده باید، مسئولیت مشترک مردان و زنان را در تربیت و پرورش کودکان‌شان دربرگیرد. به هررو این قابل درک است که منافع کودک، ملاحظه‌ی اولیه در همه‌ی موارد است.

در راستای تهیه‌ی پیش‌نویس یک کنوانسیون خاص در مورد حقوق کودکان، در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ توافقی در چارچوب سازمان ملل حاصل شد. در سال ۱۹۸۹، بعد از ده سال فهرست گسترده‌ای از حق‌های بشری مربوط به کودکان تصویب شد. متن این کنوانسیون علاوه بر مقررات مرتبط با کودک در سایر معاهدات حقوق بشر، شامل حوزه‌های جدیدی چون بقا، حمایت، پرورش و ارتقای وضعیت و حق مشارکت می‌باشد.

۲. اصول راهبردی کنوانسیون حقوق کودک

یک جنبه‌ی مهم کنوانسیون حقوق کودک بیان برخی اصول کلی است که در واقع روی کرد به حقوق کودک را باز می‌نمایانند. این اصول راه‌نمای برنامه‌های ملی در حوزه‌ی مربوط به حقوق کودک می‌باشند.

۱-۲. عدم تبعیض

یکی از اصول کلی کنوانسیون این است که همه‌ی کودکان باید بدون تبعیض، از حقوق‌شان بهره‌مند باشند. تعهد به تامین فرصت‌های برابر برای کودکان در شرط کلی عدم تبعیض تبیین شده که موضوع ماده‌ی ۲ کنوانسیون می‌باشد. این پیام درباره‌ی برابری حق‌هاست. دختران باید دارای همان فرصت‌هایی باشند که پسران دارند. کودکان مهاجر و کودکان گروه‌های بومی یا اقلیت باید همانند دیگران همان حقوق و امکاناتی را که برای گذراندن یک زندگی رضایت‌مند لازم است دارا باشند.

۲-۲. منافع عالی‌هی کودک

یکی از اهداف اولیه‌ی کنوانسیون برابری است. کودکان به‌عنوان افراد بشر، همان ارزش ذاتی را دارند که بزرگ‌ترها دارا هستند. کودکان - مخصوصاً زمانی که کم‌سن‌تر هستند - آسیب‌پذیر بوده و برای بهره‌مندی کامل از حقوق خود به حمایت ویژه نیاز دارند. چگونه می‌توان به کودک ارزش برابر داد و در عین حال حمایت ضروری از او نمود؟ بخشی از پاسخ این پرسش در اصل منافع عالی‌هی کودک است که در بند ۱ از ماده‌ی ۳ کنوانسیون نهفته است که یک ملاحظه‌ی اولیه در همه‌ی اقدامات مربوط به کودک خواهد بود. بر اساس این اصل هر موقع تصمیمات رسمی کودکان و منافع آن‌ها را تحت تاثیر قرار دهد، باید منافع و حقوق آن‌ها نیز مورد توجه خاص قرار گیرد.

۳-۲. حق بر بقا و پیشرفت

یکی از اصول کاملاً راه‌بردی و مرتبط با حقوق اقتصادی و اجتماعی حق بر حیات موضوع ماده‌ی ۶ کنوانسیون می‌باشد. این ماده فراتر از شناسایی صرف حق حیات کودک است، زیرا متضمن اصل بقا و رشد کودک نیز می‌باشد.

هدف از درج کلمه‌ی بقاء، بیان یک جنبه‌ی دینامیک و پویا از حق حیات است که دربردارنده‌ی نیاز به عمل بازدارنده همانند ایمن‌سازی است. هم‌چنین کلمه‌ی رشد و توسعه در این ماده باید به صورت فراگیر تفسیر گردد، به گونه‌ای که نه تنها بر سلامت فیزیکی، بلکه بر رشد روانی، عاطفی، آگاهی اجتماعی و فرهنگی دلالت نماید. ماده‌ی ۶ را می‌توان خط‌مشی دیگر مواد کنوانسیون که حقوق اقتصادی- اجتماعی کودک را بیان می‌کنند به‌شمار آورد. عبارت حداکثر امکانات ممکن، متضمن توجه به این واقعیت است که اجرای این تعهد مستلزم منابع مشخصی برای کشورهای فقیرتر نیست.

۴-۲. عقاید کودک

اصل «بهترین منافع عالی‌ه‌ی کودک» به‌واسطه‌ی ماهیت خود، به اصل دیگری اهمیت می‌بخشد؛ این اصل احترام به عقاید کودک می‌باشد که در بند ۱ از ماده‌ی ۱۲ قید شده است. برای پی بردن به منافع کودک، منطقی است تا اندازه‌ای که کودک توانایی شکل-دهی به افکار خود را داشته باشد، نقطه‌نظرات او مورد توجه قرار گیرد. باید به عقاید کودک در همه‌ی موضوعاتی که او را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اعتبار مناسبی بخشید. این اصل از سوی پاره‌ای مفسران، عنصر مشارکت نامیده شده است.^{۲۰}

قبول این اندیشه که هم‌اینک در نظام بین‌المللی اعتبار حقوقی پیدا کرده، موید نوعی شخصیت مستقل و نقش‌آفرین برای کودکان می‌باشد، در عین آن که آنان هم‌چنان تحت ولایت یا قیمومت والدین قرار دارند. جمع شایسته بین این «استقلال» و «وابستگی» از چنان ظرافتی برخوردار است که صرفاً با توسعه‌ی فکری و فرهنگی جوامع می‌توان بدان دست یافت.^{۲۱}

20. Hammarberg, *op.cit.*, pp. 355-358.

۲۱. هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴، ص. ۵۷۵.

۳. حقوق اقتصادی و اجتماعی (رفاهی) در کنوانسیون حقوق کودک

۳-۱. بهداشت پایه و رفاه

تمامی مقررات مربوط به بهداشت و رفاه می‌تواند از اصل حق کودک بر بقا و پیشرفت استنتاج شود. در ماده‌ی ۲۳ کنوانسیون حقوق کودک، آشکارا بر رشد و پیشرفت کودکان ناتوان تأکید شده است. کودک ناتوان باید از یک زندگی کامل و رضایت‌مند، در شرایطی که حیثیت، افزایش خودتکایی و مشارکت فعال او را در جامعه تسهیل می‌کند، بهره‌مند گردد. این مهم درباره‌ی اصل عدم تبعیض، همچنین در ماده‌ی کلیدی مربوط به بهداشت نیز مورد توجه قرار گرفته است. حکومت‌ها باید دسترسی به خدمات مراقبت بهداشتی (ماده‌ی ۲۴) را برای هر کودکی تضمین کنند. به‌علاوه بر اساس این ماده دولت‌ها باید برای کاهش مرگ نوزادان و کودکان، بهبود نظام مراقبت بهداشتی برای کودکان، مبارزه با امراض و سوءتغذیه از طریق وضع مقررات تغذیه و آب سالم، همین‌طور جهت تضمین مراقبت قبل و بعد از زایمان، بالا بردن دانش و آگاهی درباره‌ی بهداشت کودک و تغذیه از جمله تغذیه با شیر مادر، بهداشت محیط و پیش‌گیری از تصادفات و توسعه‌ی راهنمایی به طرح‌های والدین و خانواده تدابیر مناسب اتخاذ کنند.^{۲۲}

این ماده در برابر ختنه کردن زنان نیز موضع‌گیری کرده است. سیاق ماده به این صورت است که دولت‌ها باید «همه‌ی اقدامات مناسب و موثر را با هدف برچیدن رفتارهای سنتی مضر به حال سلامتی اتخاذ کنند» (بند ۳ از ماده‌ی ۲۴).

این کنوانسیون همچنین ضرورت تأمین اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. دولت‌های عضو باید حق کودک را در این زمینه به رسمیت شناخته و اقدامات لازم را اتخاذ کنند (ماده‌ی ۲۶). کودکان کارگران، حق بهره‌مندی از خدمات نگهداری کودک

22. Hammarberg, *op. cit.*

هم‌چنین رک. متین دفتری، احمد، حقوق بشر و حمایت بین‌المللی از آن، چاپخانه بهمن، ۱۳۴۸، صص. ۱۹۵-۱۹۸.

را دارند (بند ۳ از ماده‌ی ۱). کنوانسیون حق پیشرفت کودک را بر مبنای استاندارد معقول زندگی پی‌ریزی کرده است؛ بر این اساس دولت‌های متعهد حق هر کودک به استاندارد از زندگی که برای رشد فیزیکی، روانی، روحی، اخلاقی و اجتماعی کودک مناسب است را به رسمیت می‌شناسند (بند ۱ از ماده‌ی ۲۷). دولت‌های عضو متعهد شده‌اند در مواقع لزوم، کمک‌های مالی مخصوصا در ارتباط با تغذیه، لباس و مسکن کودکان فراهم کنند (بند ۳ از ماده‌ی ۲۷).

با این حال حق شرط‌هایی در خصوص مقررات مربوط به منابع وجود دارد. تامین مراقبت خاص برای کودکان ناتوان «مشروط به منابع موجود» بوده و دولت‌ها اقدامات خود را برای تامین استاندارد زندگی «در چارچوب توانایی‌شان» اتخاذ خواهند کرد.

۲-۳. حمایت در برابر استثمار

مقررات کنوانسیون استثمار کودکان را در اشکال مختلف منع کرده است. ماده‌ی ۳۲ کنوانسیون مربوط به استثمار اقتصادی است؛ این ماده حمایت از کودکان را در برابر کاری که احتمالا مخاطره‌آمیز باشد یا در آموزش او وقفه ایجاد کند یا بر سلامت کودک یا رشد فیزیکی، روانی، روحی، اخلاقی یا اجتماعی او مضر باشد، مقرر می‌دارد. بند ۲ این ماده دولت‌های طرف کنوانسیون را به اتخاذ اقدامات زیر فرا می‌خواند:

الف: تعیین حداقل سن یا حداقل سنین برای انجام کار.

ب: تعیین مقررات مناسب از نظر ساعات و شرایط کار.

پ: تعیین مجازات‌ها و یا اعمال سایر ضمانت‌های اجرایی مناسب جهت تضمین

۲۳. در خصوص حقوق کار کودک در نظام بین‌المللی و نظام داخلی ایران رک.

هاشمی، پیشین، صص. ۵۷۷-۵۷۵.

هاشمی، سیدمحمد، «نگرشی بر قانون کار جمهوری اسلامی ایران»، ضمیمه‌ی مجله تحقیقات حقوقی، نشریه‌ی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌ی ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۰.

اجرای موثر این ماده.

«مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۳۸ (۱۹۷۳) که جانشین اسناد قبلی حاکم بر بخش‌های محدود اقتصادی می‌شود دولت‌های عضو را به پیگیری یک سیاست ملی مطرح شده در جهت ایفای موثر کار کودک متعهد می‌سازد و این ارتباط را برقرار می‌سازد که نمی‌توان هیچ کودکی را در هیچ بخش اقتصادی پایین‌تر از سن تعیین شده برای تکمیل تحصیل اجباری - کم‌تر از ۱۵ سال - به استخدام در آورد. هم‌چنین حداقل سن لازم برای پذیرفته شدن در هر کاری که احتمالاً تن‌درستی، ایمنی یا اخلاقیات را به خطر می‌اندازد، ۱۸ سال در نظر گرفته شده است. توصیه‌نامه‌ی حداقل سن شماره‌ی ۱۴۶ مکمل مقاله‌نامه‌ی شماره-۱۳۸، دولت‌ها را ملزم می‌سازد که حداقل سن اشتغال را تا ۱۶ سال افزایش دهند. هرچند که این توصیه‌نامه از نظر حقوقی الزام‌آور نمی‌باشد اما فراخوانی نیرومند برای اقدام از سوی دولت‌های عضو می‌باشد».^{۲۴} مقاله‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۳۸ و توصیه‌نامه‌ی شماره‌ی ۱۴۶، فراگیرترین اسناد بین‌المللی درباره‌ی کار کودک به‌شمار می‌روند.

«اما برخورد با همه‌ی کارهای کودکان به‌عنوان مسئله‌ای به یک اندازه ناپذیرفتنی، موجب اشتباه گرفتن و کم‌اهمیت ساختن موضوع می‌باشد و پایان دادن به سوءاستفاده‌ها را دشوار می‌سازد. به همین دلیل فرق گذاشتن میان کار سودمند و کار عمل‌ناپذیر و شناسایی این‌که بیش‌تر کار کودک در حیطه‌ی خاکستری میان این دو طیف قرار می‌گیرد، حایز اهمیت است. یک دهه پیش، یونیسف اعلام کرد: در صورتی کار کودک بهره‌کشی محسوب می‌شود که شامل این موارد باشد؛

کار تمام وقت در سنین پایین؛

گذراندن ساعات بسیار بر سر کار

کاری که فشار جسمی، اجتماعی، یا روان‌شناختی وارد می‌آورد؛

۲۴. همتی، مجتبی، «کودک و کار کودک در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی ایران»، مجله کار و جامعه، شماره‌ی ۵۳، اردیبهشت ۱۳۸۳، ص. ۵۵.

کار و زندگی در خیابان‌ها در شرایط ناگوار؛
پرداخت ناکافی؛
مسئولیت بسیار زیاد؛
کاری که مانع دسترسی به آموزش می‌شود؛
کاری که منزلت و اعتماد به نفس کودکان را پایین می‌آورد، هم‌چون بردگی یا بهره‌کشی جنسی؛
کاری که برای پرورش کامل اجتماعی و روانی زیان‌آور است.
تاثیر کار بر پرورش یک کودک، کلید تعیین این نکته است که چه هنگامی این کار به مشکل بدل می‌شود. کاری که برای بزرگ‌سالان زیان‌آور است، می‌تواند برای کودکان شدیداً زیان‌آور باشد.
ابعادی از پرورش کودک که می‌تواند با کار به خطر بیفتد عبارت است از:
پرورش جسمی: شامل تن‌درستی کلی، هماهنگی، توان، دید و شنوایی؛
پرورش ادراکی: شامل سواد، حساب و کسب دانش لازم برای زندگی معمولی؛
پرورش عاطفی: شامل اعتماد به نفس کافی، وابستگی خانوادگی، احساسات، عشق و پذیرش؛
پرورش اجتماعی و اخلاقی: شامل حس هویت گروهی، توان همکاری با دیگران و توان تمیز میان درست و نادرست».^{۲۵}
از آن‌جا که علل کار کودک پیچیده است و شامل فقر، بهره‌کشی اقتصادی، ارزش‌های اجتماعی و اوضاع و احوال فرهنگی می‌باشد، راه‌حل‌های آن نیز باید فراگیر باشد، به‌نحوی که مشترکات هر جامعه را دربر گیرد. در این باره انجام برخی اقدامات حیاتی است:

۲۶. همان، ص. ۵۵.

جلوگیری فوری از انجام کارهای خطرناک و بهره‌کشی از کودک: اشکال خطرناک و بهره‌کشانه‌ی کار کودک شامل بردگی، بهره‌کشی جنسی، تجاری و کارهایی که از رشد جسمی، اجتماعی، ادراکی، عاطفی و اخلاقی کودک جلوگیری می‌کند باید منع شود و دولت‌ها وظیفه دارند اقداماتی فوری جهت پایان بخشیدن به این قبیل کارها انجام دهند. آموزش رایگان و اجباری: دولت‌ها مسئولیت دارند خدمات آموزشی را در سطح ابتدایی به صورت رایگان و اجباری برای همه‌ی کودکان ارائه دهند (ماده‌ی ۲۸ کنوانسیون) و تضمین نمایند که همه‌ی کودکان تا تکمیل آموزش ابتدایی به‌طور تمام وقت در مدرسه حضور می‌یابند.

گسترش حمایت قانونی: قوانین مربوط به کار و آموزش باید با هم سازگار باشند و حمایتی متقابل را به اجرا گذارند. هم‌چنین قوانین ملی کار کودک باید با روح و اهداف کنوانسیون حقوق کودک و مقاوله‌نامه‌های مربوط به سازمان بین‌المللی کار مطابقت داشته باشد. این قوانین باید اشکال مختلف کار کودک را در بخش غیررسمی اقتصاد، نظیر کار در خیابان‌ها و کشتزارها، کار خانگی یا کار در درون خانواده دربر گیرد.

ثبت تولد همه‌ی کودکان: تولد همه‌ی کودکان باید به ثبت برسد (ماده‌ی ۷ کنوانسیون). ثبت تولد در دسترسی کودک به حقوق خود هم‌چون حق بر آموزش، مراقبت تن‌درستی و دیگر خدمات نقش دارد. هم‌چنین با ثبت تولد تشخیص سن هر کودک برای کارفرمایان و بازرسان کار، عملی خواهد شد.

گردآوری اطلاعات و نظارت بر آن: اطلاعات درباره‌ی کار کودکان بسیار ارزشمند است. اگر قصد آن باشد که با مشکل کار کودک به‌طور کارآمد برخورد شود، باید برای گردآوری و تحلیل اطلاعات قابل مقایسه‌ی بین‌المللی در این باره توجه خاص نمود. باید توجه ویژه‌ای را به حوزه‌های فراموش شده یا نادیدنی کار کودک معطوف داشت، حوزه‌هایی چون کار در خانه، کشتزارهای خانوادگی یا خدمت خانگی. نظارت توسط خود جوامع مهم است و کودکان کارگر باید فعالانه در ارزیابی وضعیت‌شان و پیشنهاد راه‌هایی برای بهبود شرایط‌شان مشارکت نمایند.

قواعد رفتاری و سیاست‌های خرید: از شرکت‌های ملی و بین‌المللی خواسته می‌شود که قواعد رفتاری‌ای را برگزینند که تضمین نماید خود شرکت و مشتریان آن کودکان را برخلاف حقوق‌شان به کار نگیرند. هم‌چنین سیاست‌های خرید باید چنان توسعه یابد که منافع عالی‌ه‌ی کودک را دربر گیرد و تدابیری را برای حفظ منافع آن‌ها ارایه کند.^{۲۶}

منع بین‌المللی این‌گونه استثماری‌های شغلی در کنوانسیون شماره‌ی ۱۸۲ سازمان بین‌المللی کار که مربوط به اشکال بدتر کار کودک (۱۹۹۹) است بیش‌تر تشریح شده است. نوع دیگر استثمار بهره‌کشی از کودکان در تولید و قاچاق مواد مخدر است. هم‌چنین برای حمایت از کودکان در برابر استفاده از داروهای مخدر باید اقدامات خاصی اتخاذ شود. در مقابل استفاده از کودکان در تولید و قاچاق چنین موادی اقدامات پیش‌گیرانه ضرورت دارد (ماده‌ی ۳۳ کنوانسیون). کودکان باید در برابر هرگونه استثمار جنسی و سوءاستفاده‌ی جنسی حمایت شوند (ماده‌ی ۳۴). باید برای پیش‌گیری از ربودن، فروش یا قاچاق کودکان اقدامات ملی دوجانبه یا چندجانبه اتخاذ کرد (ماده‌ی ۳۵ کنوانسیون). سرانجام، ماده‌ی ۳۶ در کل از دولت‌ها می‌خواهد تا کودک را در برابر همه‌ی اشکال استثمار که مضر به جنبه‌های مختلف رفاه کودک است حمایت کنند.^{۲۷}

۴. تعهدات دولت‌ها براساس کنوانسیون حقوق کودک

ماده‌ی ۴ کنوانسیون مقرر می‌دارد: «کشورهای طرف کنوانسیون همه‌ی اقدامات تقنینی، اداری و دیگر اقدامات مناسب و مقتضی را برای اجرای حقوق به رسمیت شناخته شده در کنوانسیون حاضر به‌کار می‌گیرند. در خصوص حقوق اقتصادی و اجتماعی، دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند چنین اقداماتی را در جهت به‌کارگیری حداکثر منابع موجود خود و در صورت لزوم در چارچوب همکاری‌های بین‌المللی به عمل خواهند

۲۶. همتی، پیشین، صص ۵۵-۵۶.

27. Hammarberg, *op. cit.*, pp. 358-360.

آورد». این ماده تعهد به عمل را تبیین می‌کند تا تعهد به نتیجه را؛ در واقع تاکید روی این موضوع است که چه تلاش‌هایی از سوی کشورهای طرف کنوانسیون در بهبود اجرای کنوانسیون نقش دارد. تاکید مشابهی نیز در مواد ۴۲ و ۴۶ (بند ۶) به کار گرفته شده است.

۱-۴. اقدامات تقنینی، اداری و دیگر اقدامات

کشورهای طرف کنوانسیون باید قوانین داخلی خود را بازبینی کرده و تضمین کنند که قوانین آن‌ها با کنوانسیون سازوکاری دارد؛ برای مثال، در راستای حمایت از کودکان در برابر استثمار در بازار کار رسمی و غیررسمی چنانچه قانونی لازم است اقدام مقتضی را انجام دهند. به علاوه، تصویب قانون برای تضمین آموزش اجباری ضروری است. هم‌چنین در زمینه‌ی بهداشت و رفاه اجتماعی، باید دولت‌ها هنجارهای حقوقی را برای ایجاد اصول معین و تضمین عدم تبعیض توسعه دهند.

در خصوص وضعیت کنوانسیون و اجرای آن در حقوق داخلی، مادامی که اصول و مقررات کنوانسیون توسط قانون داخلی حمایت شوند، کمیته‌ی حقوق کودک، هیچ موضعی را در مورد شیوه‌ی عملی دولت‌ها اتخاذ نمی‌کند. لازم به توضیح است که تصویب قانون مناسب به تنهایی برای انجام تعهدات دولت‌های طرف کنوانسیون کافی نیست. در این میان اقدامات اداری و اجرایی و دیگر تدابیر متناسب ضروری است. در حال حاضر، گزارش راه کارها، مبین این نکته است که باید سازوکارهایی در سطح ملی و محلی برای هماهنگی سیاست‌ها و نظارت بر اجرای کنوانسیون وجود داشته باشد.^{۲۸}

۲-۴. همکاری بین‌المللی

ماده‌ی ۴ کنوانسیون، در عبارت پایانی موضوع همکاری بین‌المللی را پیش می‌کشد:

28. Hammarberg, *op. cit.*, pp. 360-362.

«... دولت‌های طرف این کنوانسیون چنین اقداماتی را حداکثر تا جای ممکن با استفاده از منابع موجود خود و در جایی که لازم شد، در چارچوب همکاری بین‌المللی به عمل خواهند آورد».

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که بیان شد، از میان چند نظریه‌ی مطرح در حوزه‌ی حقوق کودکان، تنها نظریه‌ی اراده، سازگاری منطقی با حقوق کودکان ندارد، چرا که در این نظریه، تنها صاحبان اراده می‌توانند دارای حق باشند، مگر این که اراده‌ی دیگری (اراده‌ی قیم، سرپرست و...) از طرف دارنده‌ی حق عمل کند. در هر صورت چون این نظریه به صورت مستقل برای کودکان حقی قائل نیست، اساساً به‌عنوان یک نظریه‌ی عمومی در حوزه‌ی حقوق کودکان غیرقابل قبول است. در مقابل سه نظریه‌ی دیگر که در این نوشتار مورد توجه قرار گرفتند به‌خوبی بیان گر و تامین‌کننده‌ی حقوق کودکان می‌باشند. مهم‌ترین سند بین‌المللی که حقوق رفاهی (و دیگر حقوق) کودکان را در عرصه‌ی جهانی شناسایی و تضمین کرده کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک می‌باشد.

نظر به این که ملل متحد در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر تاکید نموده است همه‌ی افراد بدون در نظر گرفتن نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا سایر عقاید، اصلیت اجتماعی یا ملی، ثروت، تولد و یا ویژگی‌های دیگر مشمول حقوق و آزادی توصیه شده در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر می‌باشند؛ هم‌چنین با توجه به این واقعیت که کودک به علت کامل نبودن رشد بدنی و فکری چه قبل و چه بعد از تولد نیازمند مراقبت و توجه خاص از جمله حمایت قانونی مناسب است؛ و با در نظر داشتن این که انجام مراقبت‌های ویژه از کودک در اعلامیه‌ی حقوق کودک ژنو ۱۹۲۴ بیان شده و در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ در اعلامیه‌ی جهانی حقوق کودک به تصویب مجمع عمومی رسیده، و ضرورت آن در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (خصوصاً در مواد ۲۳ و ۲۴)، میثاق بین‌المللی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی (خصوصاً در ماده‌ی ۱۰) و اسناد و احکام سازمان‌های تخصصی و سازمان‌های بین‌المللی مربوط به رفاه کودکان به رسمیت شناخته شده است، و همین‌طور قبول این واقعیت که به علت آسیب‌پذیری، پاکی، و نیازمندی کودکان و اهمیت بنیادین مسایل این گروه، اسناد جهانی و بین‌المللی مربوط به حقوق بشری کودکان با اجماع جهانی تصویب می‌شود، به‌جاست دولت جمهوری اسلامی

ایران با قبول و الحاق غیرمشروط به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ که حمایت‌های کاملی را برای کودکان مقرر نموده، زمینه‌های تقنینی، اجرایی و قضایی و نیز تسهیل شرایط برای رشد و بالندگی این موجودات معصوم را فراهم کند.

منابع

الف: فارسی

۱. ایچ لسناف، مایکل، فیلسوفان سیاسی قرن بیستم، ترجمه‌ی خشایار دیهیمی، نشر کوچک، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۲. بشیریه، حسین، تاریخ اندیشه‌های سیاسی قرن بیستم، لیبرالیسم و محافظه‌کاری، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۳. توسلی، حسین، «مبانی عدالت در نظریه جان رولز»، مجله‌ی نقد و نظر، سال سوم، شماره‌ی ۲ و ۳، ۱۳۷۶.
۴. رنجبری، ابوالفضل، حقوق کار، انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۸۰.
۵. فولادوند، عزت‌الله، «فیلسوف انصاف»، مجله‌ی نگاه نو، شماره ۱۱، دوره‌ی جدید، بهمن ۱۳۸۱.
۶. کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول، قسمت اول، اسناد جهانی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۱.
۷. متین دفتری، احمد، حقوق بشر و حمایت بین‌المللی از آن، چاپخانه بهمن، ۱۳۴۸.
۸. موحد، محمد علی، در هوای حق و عدل، تهران، نشر کارنامه، ۱۳۸۱.
۹. هاشمی، سیدمحمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴.
۱۰. هاشمی، سیدمحمد، «نگرشی بر قانون کار جمهوری اسلامی ایران»، ضمیمه‌ی مجله تحقیقات حقوقی، نشریه‌ی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره-ی ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۰.
۱۱. همپتن، جین، فلسفه سیاسی، ترجمه‌ی خشایار دیهیمی، طرح نو، ۱۳۸۰.
۱۲. همتی، مجتبی، «کودک و کار کودک در اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی ایران»، مجله کار و جامعه، شماره‌ی ۵۳، اردیبهشت ۱۳۸۳.

ب: انگلیسی

1. Absjorn, Eide, "The Right to an Adequate Standard of Living including the Right to Food", in: A. Eide, *et al.* (eds), *Economic, Social and Cultural Right* 2nd ed. , Martinus Nijhoff Publishers, Dordrecht / Boston / London, 2001.
2. Bainham, Andrew; Stephen, Cretney, *Children, The Modern Law*, published by Family Law, 1993.
3. Convention on the Rights of the Child, General Assembly Resolution 44/25 of 20 November 1989, at: <http://www.ohchr.org/english/law/index.htm>.
4. Campbell, Tom, *Justice*, Second edition, Macmillan Press, 2001.
5. Craven, Mathew C. R. , *The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights*; Clarendon Press, Oxford, 1995.
6. Declaration of the Rights of the Child, at: <http://www.unhchr.ch/html/menu3/b/25.htm>.
7. Eekelaar, "The Emergence of Children's Rights", *Oxford Journal of Legal Studies*, 1986.
8. Freeman, Michael, D: A. Lloyds, *Introduction to Jurisprudence*, 7th edition, London, Sweet and Maxwell, 2001.
9. Freeman, Michael, D. A. , "The Rights and Wrongs of Children, Frances Pinter, 1983.
10. Hart, H. L. A., "Are there any Natural Rights?," in: A. Quinton (ed.), *Political Philosophy*, Oxford University Press, 1961.
11. Hartley, Dean, *Welfare, Law, and Citizenship*, First published, University of Luton, 1998.

12. Hammarberg, Thomas, "Children", in: Asbjorn Eide *et al.* (eds), Economic, Social and Cultural Right 2nd ed. , Martinus Nijhoff Publishers, Dordrochty / Boston / London, 2001.
13. ILO Convention No.138: Minimum Age, 1973, at: <http://www.ilocarib.org.tt/childlabour/legislation.htm>
 ILO Recommendation No.146: Minimum Age Recommendation, 1973, at: <http://www.ilocarib.org.tt/childlabour/legislation.htmat>.
 ILO Recommendation No.190: Worst Forms of Child Labor, Recommendations, 1999, at: <http://www.ilocarib.org.tt/childlabour/legislation.htm>.
15. Jones, Peter, Rights, Macmillan University Press, 1994.
16. Katarina, Frostell; Martin Sheinin, "Women", in: A. Eide. *et al.* (eds), Economic, Social and Cultural Right 2nd ed. , Martinus Nijhoff Publisher, Dordrocht/ Boston/ London, 2001.
17. McCormick, N. , "Children's Rights: Test- Case for Theories of Rights", published as Ch. 8 in: Legal Rights and Social Democracy, 1982.
18. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the Involvement of Children in Armed Conflict, 2000, at: <http://www.ohchr.org/english/law/index.htm>.
19. Rawls, John, Political Liberalism, Columbia, University Press, 1993.
20. Rawls, John, A Theory of Justice, Oxford University Press, 1971.
21. Rawls, John, A Theory of Justice: Revised edition, Oxford University Press, 1990.
22. Raz, J., "Legal Rights", Oxford Journal of Legal Studies, 1984.

23. Richard, Clayton – Hugh Tomlinson, The Law of Human Rights, Volume 1, Oxford University Press – First published, 2001.
24. Simmonds, N. E. , Central Issues in Jurisprudence: Justice, Law and Right, London, Sweet and Maxwell, 1986.
25. [Universal Declaration of Human Rights 1948](http://www.ohchr.org/english/law/index.htm), at: <http://www.ohchr.org/english/law/index.htm>
26. World Declaration on the Survival, Protection and Development of Children, agreed to at the World Summit for Children on 30 September 1990, at: <http://www.unicef.org/wsc/declare.htm>.